



لبنان

یک نظرسنجی معتبر در لبنان نشان می‌دهد که گزینه مقاومت همچنان موضوعی فراجناحی بوده و اکثریت لبنانی‌ها (۵۸ درصد) با خلع‌سلاح آن بدون وجود یک استراتژی دفاعی مخالف هستند؛ این عدد شامل نیمی از اهل سنت، حدود یک‌سوم مسیحیان و درصد بیشتری از دروزی‌ها می‌شود. حدود ۷۲ درصد از شرکت‌کنندگان نظرسنجی قاطعانه اعلام کردند که ارتش لبنان به تنهایی قادر به مقابله با تجاوز اسرائیل نیست و حدود ۷۶ درصد نیز بر این باور بودند که دیپلماسی نمی‌تواند به تنهایی حمله دشمن را باز دارد.

این نظرسنجی نشان داد نگرانی‌های بزرگی در میان تمام گروه‌های لبنانی درباره خطر ناشی از رویدادهای سوریه وجود دارد. همچنین در میان نهادهای رسمی لبنان، پاسخ‌دهندگان کمترین اعتماد را به وزارت امور خارجه این کشور دارند که وزیران از حزب «قوات

لبنانی» است. این نظرسنجی را اداره آمار و نظرسنجی‌های مرکز مشاوره برای مطالعات و مستندسازی بین ۲۷ جولای گذشته تا ۱۴ آگوست جاری انجام داده و شامل سؤالاتی درباره شماری از مسائل جاری، مانند موضوع مقاومت، ارتش، استراتژی دفاعی و موضع مردم نسبت به رویدادهای سوریه و دیگر موارد بوده است. تعداد نمونه آماری ۶۰۰ نفر (۵۴ درصد مرد و ۴۶ درصد زن) بود که به صورت تصادفی از تمام مناطق، مذاهب و گروه‌های بسوی انتخاب شدند و حاشیه خطا حدود ۵ درصد بود. نسبت پاسخ‌دهندگان شیعه به شیعی درونی ۳۴ درصد، حدود ۳۴ درصد مسیحی و ۷ درصد دروزی بود.

محبوبیت گزینه مقاومت

در پاسخ به این سؤال که «آیا با خلع‌سلاح مقاومت بدون استراتژی دفاعی موافق هستید؟» حدود ۹۶ درصد از پاسخ‌دهندگان شیعه، ۵۰ درصد از سنی‌ها، ۴۶ درصد از دروزی‌ها و ۳۲ درصد از مسیحیان پاسخ منفی دادند. تمام مذاهب با درصد بالایی (۹۲ درصد

از شیعیان و به طور میانگین ۶۳.۳ درصد از دیگر مذاهب) بر این باور بودند که ارتش به تنهایی قادر به مقابله با تجاوز اسرائیل نیست. پاسخ‌دهندگان از همه مذاهب با درصد‌های متفاوتی بر این باور بودند که دیپلماسی نیز به تنهایی قادر به مقابله با تجاوز نیست؛ این دیدگاه را حدود ۸۰ درصد از شیعیان، حدود ۵۳ درصد از سنی‌ها، ۵۰ درصد از دروزی‌ها و حدود ۴۱ درصد از مسیحیان تأیید کردند.

توطئه آمریکایی-عربی

برخلاف نگرش مثبت عموم مردم به حزب‌الله و مقاومت، جوزف عون، رئیس جمهوری جدید لبنان تحت فشار آمریکا و برخی کشورهای حاشیه خلیج فارس قرار گرفته تا حزب‌الله را خلع‌سلاح کند و این گروه مقاومت صراحتاً اعلام کرده که بدون مبارزه عقب‌نشینی نخواهد کرد. تام باراک، فرستاده واشنگتن به لبنان گفته که آمریکا طرح‌هایی را برای تکمیل روند خلع‌سلاح این گروه به رهبران لبنانی ارائه کرده است.

به گفته باراک، ایالات متحده به عون اطلاع داده که در صورت پیشبرد روند انحلال حزب‌الله به عنوان یک گروه مسلح، حاضر است نقش میانجی میان لبنان و اسرائیل را ایفا کند. این میانجیگری شامل ادامه کمک به اجرای

آتش‌بس میان اسرائیل و حزب‌الله می‌شود که بخشی از آن در ماه نوامبر برقرار شد.

بلومبرگ به نقل از منابع آگاه مدعی شد که همزمان، کشورهای چون عربستان سعودی، امارات متحده عربی و کویت



ضمین امنیت لبنان

حزب‌الله که دهه‌هاست بخشی جدایی‌ناپذیر از سیاست و جامعه لبنان است، موضعی سرسختانه دارد. روز چهارشنبه، این گروه با صدور بیانیه‌ای اعلام کرد تصمیم دولت درباره خلع سلاح را «کان‌لم‌پکن» تلقی خواهد کرد و اقدام نواف سلام را ارتکاب «کناهی بزرگ» از طریق دنبال‌کردن «استراتژی تسلیم» در برابر تجاوز و اشغالگری مداوم اسرائیل خواند. دبیرکل حزب‌الله لبنان گفت مقاومت به خاطر فشارهای تمام‌عیار آمریکا با کشوری عربی وارد گفت‌وگو درباره خلع سلاح نخواهد شد. شیخ نعیم قاسم تصریح کرد در صورت ادامه «گسترش تجاوزات» اسرائیل علیه لبنان، حملات موشکی علیه این رژیم را از سر می‌گیرد.

حزب‌الله که شاخه سیاسی آن هم در پارلمان و هم در دولت سلام نماینده دارد، تلاش کرده با اشاره به تجاوزات اسرائیل، پایگاه خود را تقویت کند. دبیرکل حزب‌الله یادآوری کرد که واگذاری سلاح، آنها را در برابر تهدیدهای اسرائیل و تهدیدات جدید در سوریه بی‌فایع خواهد گذاشت.



عکس: Getty Images

مردم لبنان حزب‌الله را بهترین گزینه دفع تجاوزات اسرائیل می‌دانند

مخالفت ملی با توطئه خلع سلاح مقاومت

به عون و نواف سلام، نخست‌وزیر لبنان که هردو در اولین سال کاری خود به سر می‌برند، گفته‌اند که ارائه کمک‌های مالی برای بازسازی و سرمایه‌گذاری - که لبنان برای رهایی از تبعات جنگ اخیر و بحران مالی پیشین نیاز دارد- مشروط به برنامه‌ای زمان‌بندی‌شده برای انحصار سلاح در دست ارتش لبنان است. به گفته این منابع، کشورهای حاشیه خلیج فارس که پس از سال‌ها ممنوعیت، محدودیت‌های سفر به لبنان را کاهش داده‌اند نیز خواستار اصلاح ساختار بخش بانکی هستند تا اقتصاد غیررسمی و گسترده کشور را تحت کنترل درآورند. در این حال، پایان فعالیت نظامی حزب‌الله و واگذاری کامل انحصار سلاح به دولت لبنان، کلید ماجراست. باراک مدعی شد: «کشورهای خلیج فارس گفته‌اند اگر این کارها را انجام دهید، به جنوب لبنان خواهیم آمد و یک منطقه صنعتی، بازاری و ایجاد اشتغال را تأمین مالی خواهیم کرد.» اما او همچنین اذعان کرد که این مسأله تنها به بیروت مربوط بوده و افزود:



برخلاف

نگرش مثبت

عموم مردم

به حزب‌الله

و مقاومت،

جوزف عون،

رئیس جمهور

جدید لبنان

تحت فشار

آمریکا و برخی

کشورهای

حاشیه خلیج

فارس قرار

گرفته تا

حزب‌الله را

خلع سلاح

کند

«اگر دولت لبنان حزب‌الله را خلع سلاح نکند، نیروهای آمریکایی حاضرمی‌شوند تا خلع‌سلاح را برای شما انجام دهند.» عون و سلام ظاهراً مشتاق اجرای این خواسته‌ها هستند و سه‌شنبه هفته گذشته، نخست‌وزیر اعلام کرد که دولت به ارتش دستور داده تا پایان ماه جاری، برنامه‌ای برای برچیدن همه گروه‌های مسلح غیردولتی تا پایان سال ۲۰۲۵ ارائه دهد. عون، فرمانده پیشین ارتش نیز هفته گذشته در مراسم روز ارتش وعده مشابهی داد و به طور مشخص از حزب‌الله نام برد.

اعتماد به نهادها

در تناسب با مذاهب

درصد بالایی از پاسخ‌دهندگان نظرسنجی اشاره شده معتقد بودند که رویدادهای جاری در سوریه خطری وجودی برای لبنان ایجاد می‌کند که ممکن است ثبات داخلی را تهدید کند و راه را برای جنگی هموار کند که از سوی گروه‌های مسلح علیه لبنان به راه خواهد افتاد. ۸۸ درصد شیعیان و بیش از ۸۳ درصد دروزی‌ها معتقد بودند آنچه در سوریه در جریان است، خطری برای لبنان محسوب می‌شود. در مقابل بیش از ۶۸ درصد از مسیحیان و حدود ۶۲ درصد از سنی‌ها چنین نظری داشتند. در پاسخ به سؤالی درباره اعتماد به نهادهای رسمی لبنان، ریاست جمهوری با حدود ۶۷ درصد، ریاست دولت با حدود ۵۵ درصد، پارلمان با حدود ۵۰ درصد، قوه قضائیه با حدود ۴۰ درصد «قوات لبنانی» است، با حدود ۳۸ درصد، اعتماد متوسط تا بالایی کسب کردند. شیعیان بالاترین نرخ بی‌اعتمادی به نهادها، خصوصاً نسبت به ریاست دولت (۵۴ درصد)، قوه قضائیه (۶۴ درصد) و وزارت امور خارجه (۶۳ درصد) را نشان دادند. در مقابل، دیگر گروه‌ها اعتماد بالاتر از متوسط با بالا، خصوصاً به ریاست جمهوری نشان دادند. (برای مثال: ۴۹ درصد از مسیحیان و ۴۳ درصد از سنی‌ها به آن اعتماد دارند). این موضوع نشان می‌دهد که اعتماد به نهادهای تحت‌تأثیر دیدگاه‌های مذهبی و سیاسی قرار دارد که خود ناشی از مرزبندی‌های حزبی و تجربه‌های گذشته در قبال این نهادهاست.

آخرین پیام‌هایی که خبرنگار فلسطینی

پیش از شهادت ثبت کرد



همسرش «بیان» را پشت سر گذاشته و بزرگ شدن پسرش «صلاح» و دخترش «شام» را نخواهد دید.

خبر

خبرنگاران الجزیره در حمله هدفمند اسرائیل به

چادر محل استقرارشان در نزدیکی بیمارستان الشفای شهر غزه به شهادت رسیدند. انس الشریف، خبرنگار الجزیره به همراه چهار همکار خود در حمله هدفمند اسرائیل به چادر محل استقرار خبرنگاران در شهر غزه شهید شد. این حمله که شامگاه یکشنبه و مقابل در اصلی بیمارستان الشفای شهر غزه رخ داد، در مجموع هفت شهید بر جا گذاشت. به گزارش الجزیره اندکی پیش از شهادت، الشریف، خبرنگار ۲۸ساله و شناخته‌شده الجزیره عربی که از شمال غزه گزارش می‌داد، در شبکه اجتماعی ایکس نوشته بود که اسرائیل بمباران شدید و متمرکز موسوم به «کمریندهای آتش» را بر بخش‌های شرقی و جنوبی شهر غزه آغاز کرده است. در آخرین ویدیو، شادی انفجارهای پیاپی ناشی از بمباران سنگین موشکی اسرائیل شنیده می‌شود و آسمان تاریک با نور نارنجی انفجارها روشن می‌شد. در پیام پایانی که در ششم آوریل و برای انتشار پس از شهید شدنش نوشته بود، الشریف گفت که «درد را با تمام جزئیاتش زندگی کرده» و «بارها طعم اندوه و فقدان را چشیده‌ام».

او نوشته بود: «با وجود این، هرگز در رساندن حقیقت همان‌طور که هست، بدون تحریف یا دستکاری، تردید نکردم؛ به این امید که خدا شاهد باشد بر کسانی که سکوت کردند، کسانی که به کشتار ما رضایت دادند و کسانی که نفس‌هایمان را بردند.» او افزود: «حتی پیکره‌ای متلاشی‌شده کودکان و زنان ما، دل‌هایشان را نلرزاند و این کشتاری را که مردم ما بیش از یک سال و نیم است با آن مواجهند، متوقف نکرد.»

این خبرنگار همچنین ابراز تأسف کرده بود که

توحیه قتل الشریف

در پیامی‌ای که قتل عمدی الشریف را تأیید می‌کرد، ارتش اسرائیل این خبرنگار را به هدایت یک گروه حماس و «پیشبرد حملات موشکی علیه غیرنظامیان و نیروهای اسرائیلی» متهم کرد و مدعی شد، اسنادی «با شواهد غیرقابل انکار» از همکاری او با این گروه رد اختیار دارد. با این حال، محمد شحاده، تحلیلگر رصد حقوق بشر یوروپد گفت «هیچ مدرکی» وجود ندارد که الشریف در هیچ درگیری شرکت کرده باشد. او به الجزیره گفت: «کل برنامه روزانه‌اش این بود که از صبح تا شب جلوی دوربین بایستد»، ماه گذشته، پس از آنکه آویخای ادروی، سخنگوی ارتش اسرائیل ویدیویی را در شبکه‌های اجتماعی منتشر کرد که الشریف را به عضویت در شاخه نظامی حماس متهم می‌کرد، آیرین خان، گزارشگر ویژه سازمان ملل در حوزه آزادی بیان گفت از «تهدیدها و اتهامات مکرر ارتش اسرائیل» علیه الشریف «عمیقاً نگران» است. او افزود: «نگرانی‌ها درباره امنیت الشریف کاملاً موجه است، زیرا شواهد فزاینده‌ای وجود دارد که خبرنگاران در غزه هدف ارتش اسرائیل قرار گرفته و کشته شده‌اند؛ آن هم بر اساس اذاعات بی‌اساس مبنی بر اینکه آنها از نیروهای حماس بوده‌اند.»

الجزیره که اسرائیل را متهم کرده شواهد جعلی برای ارتباط‌دادن کارکنانش به حماس ساخته، اخیراً

بدون روتوش



محمدحسین فایزی

گارشناس مسائل فلسطین

نگاه اسرائیلی‌ها

به مذاکرات ایران-آمریکا

در روزهای اخیر دوباره موضوع مذاکرات به مسأله‌ای جنجالی در رسانه‌های کشورمان تبدیل شده؛ مسأله‌ای که با درآمیخته شدن آن با برخی مؤلفه‌های جناحی و سیاسی، به حاشیه‌های مضرو برهم‌زننده فضای سیاسی کشور، تبدیل شده است. این یادداشت به دنبال بررسی مسأله مذاکره نیست؛ اما باید دقت داشت دوگانه مذاکره-عدم مذاکره را باید با تمرکز و بررسی روی هدف، خطوط قرمز و سناریوهای دو وضعیت یعنی مذاکره-عدم مذاکره سنجش کرد. اما یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های قابل بحث برای بررسی این مسأله، فهم سناریو و درک دشمن صهیونیستی از این پرونده است. در خصوص مذاکرات غیرمستقیم میان ایران و آمریکا پیش از جنگ، مجموعه تحلیل‌های مختلفی از موافقت و مخالفت مطرح شده بود، به گونه‌ای که برخی مقامات و تحلیلگران اسرائیلی، صراحتاً مذاکرات را اقدام ایرانی‌ها جهت خرید زمان برای آماده شدن نبرد احتمالی می‌دانستند و بارها از تداوم گفت‌وگوهای هیأت آمریکایی با ایرانی‌ها انتقاد می‌کردند و مذاکره را اشتباهی در از دست دادن فرصت می‌دانستند. از سوی دیگر جریان‌هایی، حامی گفت‌وگوی ترامپ برای رساندن ایران به نقطه مطلوب تل‌آویو یعنی عقب‌نشینی از پرونده هسته‌ای و آنچه رفع خطر هسته‌ای شدن تهران می‌نامیدند، بودند و اعتقاد داشتند تهران در وضعیتی است که در سایه فشار و تهدید به توافق مطلوب تل‌آویو تن خواهد داد.

با آنکه این را هم نباید فراموش کرد که بخشی از توان رسانه‌ای و تحلیلی‌های اسرائیلی هم کاملاً در هماهنگی امنیتی، اهداف دیگری را در بازنشر اخبار درواپستی و تحلیل آن دنبال می‌کردند؛ مسأله‌ای که بعد از جنگ صراحتاً افشا شد. به طور مثال، فاش شد روایت‌های باراک رابود، خبرنگار مشهور اسرائیلی در اکسیوس از گفت‌وگوی تلفنی پیش از جنگ میان نتانیاهو و ترامپ، کاملاً ساختگی و هدفمند بوده است. اکنون هم روایت رسانه‌های اسرائیلی و شخصیت‌های سیاسی و نظامی‌شان از مذاکرات احتمالی، جهت‌گیری‌های مختلفی دارد. اما یک نقطه اشتراک در همه آنها موجود است و آن تأکید بر برقرار بودن توان هسته‌ای شدن ایران (در روایت ترامپ) و تلاش برای القای سعی تهران در رفتن به سوی هسته‌ای شدن (بمب هسته‌ای) با بازنشر برخی سخنان در خصوص بمب هسته‌ای و ضربه‌دهی به برخی مواضع مسئولان در تأکید بر حفظ غنی‌سازی است.

ضمن آنکه بر خلاف فضای داخلی ایران، مسأله احتمال حمله پیشدستانه از سوی تهران علیه اسرائیل در فضای داخلی عبری کاملاً مطرح است، به گونه‌ای که حتی دو روز پیش از نتانیاهو حول این گمانه‌زنی‌ها سؤال شد و او پاسخ داد: «ما برای سناریوهای مختلف آماده می‌شویم. ایرانی‌ها هم برای سناریوهای مختلف آماده می‌شوند.» «بارود شفاف و واضح مذاکره را نه‌تنها یک الزام، بلکه تداوم پروژه آغاز شده برای تغییر رفتار ایران و کنترل پروژه هسته‌ای تهران می‌بیند. کنترل ناگفته نماند رئیس سابق موساد این مسأله را از منظر انتقاد جدی نسبت به نتانیاهو مطرح می‌کند و می‌گوید، او متوجه اهمیت و ارزش مذاکرات در شرایط کنونی نیست و اشتباه او در سال ۲۰۱۵ همان‌گونه که منجر به دست‌نیاقتن به توافق مطلوب و کنترل پرونده هسته‌ای ایران شد، این‌بار هم می‌تواند به ضرر راهبردی منجر شود؛ زیرا حتی اقدامات نظامی را باید به دستاورد سیاسی تبدیل کرد. او می‌گوید، برای ایران مدل سقوط دمام (اشغال عراق) و انقلاب از درون جواب نمی‌دهد، بلکه راه‌حل وادار کردن ایران به تغییر رفتار است و آن هم یک مدل ده پلای است که برجام مرحله ششم بود و اگر درست رفتار می‌شد، می‌توانست ما را به پله دهم و نهایی یعنی جنگ و فشار برای آوردن طرف مقابل به پای میز مذاکره برساند. او می‌گوید، در غزه هم همین است. تنها با مذاکره می‌توان دستاوردهای میدان را کسب کرد و این اشتباه کنونی نتانیاهو است.